



### A jurisprudential reflection on Islamic criminal policy in dealing with prevalent crimes in society

Meysam Khazae<sup>1</sup>, Mahmoud Akbari,<sup>2</sup> Ahmad Ommi<sup>3</sup>

#### Abstract

**Field and Aims:** One of the problems that governments face is the prevalence of certain crimes in society and how to deal with them. In the meantime, the question arises: what policy has Islamic law adopted in dealing with such crimes?

**Method:** This research is written using a descriptive-analytical method.

**Findings and Conclusions:** The Holy Sharia tries to change the atmosphere of society by presenting the method of government-people participatory politics. In this type of model, on the one hand, an attempt is made to make the atmosphere of society healthy by transforming the means of crime and prostitution into permissible means, establishing the institution of enjoining what is good and forbidding what is evil as a public supervisory institution, giving importance to the inherent dignity and strengthening the supreme self in human existence, creating general affection between the government and the people, so that the society realizes the ugliness of crime and refrains from committing it. On the other hand, in dealing with crimes that are closely related to public order and social security, punishment is dealt with without mercy and seriously so that its ugliness remains in the eyes of society and its spread to other crimes is prevented.

**Keyword:** prevalent crime, Islam and crime, criminal policy, participatory politics.

\*Citation (APA): Khazae, M.; Akbari, M.; Ommi, A. (2024). A jurisprudential reflection on Islamic criminal policy in dealing with prevalent crimes in society. *Applied criminology research*, 2(6), 25-46.

[https://qacr.ir/article\\_722324.html?lang=en](https://qacr.ir/article_722324.html?lang=en)

1. Associate Professor Department of Law, Ayatollah Azami Borujerdi University, Borujerd, Iran.  
Email: meisam.khazae@abru.ac.ir

2. Assistant Professor Department of Law, Ayatollah Azami Borujerdi University, Borujerd, Iran.  
Email: m.akbari@abru.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Private Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Ahmad.ommi@yahoo.com



نوع مقاله: پژوهشی

Article Type: Research

doi: 10.22034/AQCR.2025.2046793.1039

سامانه: qacr.ir

## تأملی فقهی در سیاست جنایی اسلام در برخورد با جرائم شایع در جامعه

میشم خزائی<sup>۱</sup>، محمود اکبری<sup>۲</sup>، احمد امی<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از مشکلاتی که حکومت‌ها با آن مواجه‌اند، فراگیر شدن برخی جرائم در جامعه و نحوه برخورد با آن‌هاست. در این میان، این سؤال مطرح می‌گردد شرع اسلام در برخورد با این‌گونه جرائم چه سیاستی را اتخاذ نموده است.

**روش:** پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است.

**یافته‌ها و نتایج:** شرع مقدس با ارائه روش سیاست مشارکتی دولتی-مردمی، سعی در تغییر فضای جامعه دارد. در این نوع مدل، از طرفی تلاش می‌گردد با تبدیل وسایل جرم و فحشا به وسایل مباح، تأسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان نهاد نظارتی همگانی، اهمیت دادن به کرامت ذاتی و تقویت خود عالی در وجود انسان، ایجاد مودت عمومی بین حکومت و مردم، فضای جامعه سالم‌سازی گردد تا جامعه متوجه قبح جرم گردیده و از ارتکاب آن خودداری نماید. از طرف دیگر، در برخورد با جرائمی که ارتباط تنگاتنگی با نظم عمومی و امنیت اجتماع دارند، در اعمال مجازات، بدون رأفت و با جدیت برخورد شده تا قبح آن همچنان در نگاه جامعه باقی مانده و از سرایت آن به سایر جرائم خودداری شود.

**کلیدواژه‌ها:** جرم شایع، اسلام و جرم، سیاست جنایی، سیاست مشارکتی.

استناددهی (APA): خزائی، میثم؛ اکبری، محمود؛ امی، احمد. (۱۴۰۳). جزیره سرگردانی؛ تأملی فقهی در سیاست جنایی اسلام در برخورد با جرائم شایع در جامعه. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۲(۶)، ۲۵-۴۶.

[https://qacr.ir/article\\_722324.html](https://qacr.ir/article_722324.html)

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. رایانامه: meisam.khazae@abru.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. رایانامه: m.akbari@abru.ac.ir

۳. استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: Ahmad.ommi@yahoo.com

## مقدمه

از دیرباز، جرم و بزه یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری بوده است؛ با تأمل در تمام جوامع بشری، ملاحظه می‌گردد زمانی بر بشر نیامده که در محیط پاک و پیراسته از انحراف و جنایت زندگی کرده و در کمال آرامش مسیر سعادت را بپیماید. همچنین، هر قدر بر دوران زندگی بشر گذشته است، نه تنها از دامنه جرم و جنایات او کاسته نشده، بلکه آمارها نشان‌دهنده روند رو به افزایش بزه‌کاری هستند. یکی از معضلاتی که حکومت‌ها در باب جرایم با آن مواجه می‌گردند، شیوع برخی جرایم در جامعه است؛ به گونه‌ای که جرم مذکور زشتی خود را از دست داده و به راحتی گروه کثیری از مردم مرتکب آن می‌گردند.

با توجه به توضیحات فوق، اندیشمندان و مصلحان جوامع همواره در پی بررسی عوامل جرم‌زا و راهکارهای جلوگیری و مبارزه با آن بوده‌اند. در این زمینه، هر مکتب و مذهب از زاویه دید و مسئولیت خود مسئله را بررسی نموده‌اند. در این میان، شرع مقدس اسلام نیز که بزرگ‌ترین رسالت خود را هدایت و تربیت انسان‌ها می‌داند، سعی در رفع مشکل مذکور نموده است. بر این اساس، پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، سعی بر آن دارد با بررسی مبانی قرآنی، روایی و همچنین، تأمل در متون فقهی، سیاست جنایی اسلام را در برخورد با این گونه جرایم مورد واکاوی قرار دهد.

بی‌تردید، زمانی جامعه به رشد و تکامل خود نزدیک می‌گردد که جامعه اگر نگوئیم کاملاً از جرم و بزه پاک شده باشد با کمترین ارتکاب جرم مواجه گردد. بر این اساس، بررسی مسئله مذکور که با تکامل جامعه قرین است، از اهمیت بسزایی برخوردار است. از طرف دیگر، با مشاهده جامعه ایران که مع‌الأسف، برخی جرایم در آن شیوع پیدا نموده است و دستگاه قضاء سیاست ملموسی در رابطه با آنها در پی نگرفته است، بررسی مسئله مذکور در شرایط حاضر دارای ضرورتی انکارناپذیر است.

با ملاحظه منابع و سوابق پژوهشی، ملاحظه می‌گردد پژوهش مستقلی در این زمینه انجام نگرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر به روش کیفی، داده‌های مطرح در قرآن، روایات و متون فقهی را توصیف و مورد تحلیل قرار می‌دهد. در برابر سؤال فوق، پذیرش مدل سیاست جنایی مشارکتی دولتی-مردمی جهت تغییر فضای جامعه، توسط شرع اسلام را به عنوان فرضیه این پژوهش مطرح می‌نماید.

## ۱. مفهوم‌شناسی

جهت تبیین دقیق محل بحث نیاز است اصطلاحات ذیل معناشناسی گردند:

۱-۱. **جرم شایع:** جرم شایع از دو واژه جرم و شایع ترکیب یافته است:

**جرم:** جرم، از ریشه عربی ج ر م، در اصل به معنی قطع کردن، چیدن میوه از درخت (ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۲) گناه و تعدی به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۱۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۹۱).

در قرآن کریم، جرم و مشتقات آن مترادف با گناه و در همان معنای لغوی به کار رفته است (طه: ۷۴؛ معارج: ۱۱). در متون تفسیری و فقهی نیز واژه جرم در معنای گناه و ذنب به کار رفته است (طوسی، بی تا، ج ۳: ص ۵۷۷؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۹۱: ۲۵۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۲۱۸).

جرم در اصطلاح فقهی در دو معنای عام و خاص به کار رفته است: جرم در معنای عام عبارت است از انجام دادن فعل یا گفتن قول که قانون اسلام آن را حرام شمرده و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است؛ یا ترک فعل و قول که قانون اسلام آن را واجب شمرده و بر ترک آن کیفری مقرر داشته است (فیض، ۱۳۷۶: ۷۱) و در معنای خاص که تنها کیفر دنیوی به همراه دارد، عبارت است از: امور ممنوع شرعی که مرتکب آن در دنیا مجازات می شود، امور ممنوع یا انجام دادن منهی عنه است یا ترک مأمور به است و کیفر دنیوی یا حد است یا تعزیر یا قصاص یا دیه (همان، ۷۳).

جرم در اصطلاح حقوق جزای موضوعه، عبارت است از: هر فعل یا ترک فعل قابل استناد به مرتکب که قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی پیش بینی کرده باشد (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۲۰).

**شایع:** شایع به معنای منتشر شدن، پخش شدن و آشکار شدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۱۹۱)؛ به گونه ای که گفته می شود «شاع القوم» یعنی پخش و زیاد شدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۰).

**جرم شایع:** با توجه به معنای جرم و شایع، باید گفت منظور از جرم شایع در این پژوهش، جرمی است که ارتکاب آن در میان جامعه زیاد و شیوع پیدا نموده و عده زیادی از مردم مرتکب آن می گردند.

۲-۱. **سیاست جنایی:** سیاست جنایی از دو واژه سیاست و جنایی تشکیل شده است:

**سیاست:** واژه سیاست در معانی متعددی استعمال می شود. سوس به معنی ریاست است و سیاست نیز در مفهوم تصدی برای حفظ مصالح مردم می باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶: ۱۰۸).  
گاه نیز سیاست به معنای اداره کشور و حکمراندن و رعیت داری است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹:

۱۳۸۶۵). بنابراین، سیاست در لغت به معنی توانایی اتخاذ تدابیر مناسب جهت اداره امور به نحو مطلوب است.

**جنایت، جنایی:** جنایت نیز همانند سیاست، کلمه‌ای عربی است که از ریشه جنی به معنای گناه کردن، چیدن میوه از درخت (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۷۸۶۵) و جرم (عمید، ۱۳۷۵: ۴۷۱) آمده است. عده‌ای معتقدند که اعراب لغت جنایت را همانند جناح، از گناه فارسی اخذ نموده‌اند (لنگرودی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۵۷۱).

سیاست جنایی که نخستین بار توسط فوئر باخ به کار رفته است (ر.ک: عظیم زاده اردبیلی: ۱۱۵)، به مجموعه روش‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با توسل به آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد، تعریف شده است (ر.ک: لازرژ، ۱۳۷۵: ۹).

برای سیاست جنایی بر اساس نگرش‌های متفاوت، تعاریف دیگری نیز ارائه گردیده است؛ برای مثال، فون لیس سیاست جنایی را مجموعه منظم اصولی که دولت و جامعه با توسل به آنها مبارزه علیه بزه و بزهکاری را سازمان‌دهی می‌نماید، می‌داند (ر.ک: لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۱).

به عقیده مارک آنسل، سیاست جنایی، علاوه بر جرم به عنوان یک مفهوم قانونی و سرکوبی و مجازات بزهکاری، با ابزارها و نظام کیفری، به انحراف و کژروی به عنوان یک مفهوم اجتماعی نیز می‌پردازد و توجه زیادی به پیشگیری از جرم دارد. بنابراین، سیاست جنایی را سازمان‌دهی عقلانی واکنش اجتماعی علیه بزهکاری می‌داند (آنسل، ۱۳۷۵: ۵۱).

ملاحظه می‌گردد تکیه سیاست جنایی نوین به استفاده از تمامی روش‌ها و ابزارها است؛ خصوصاً، به روش‌های مبتنی بر جبران خسارت و میانجی‌گری بجای استفاده صرف از روش‌های سرکوبگر می‌پردازد (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۷). لذا، از این پس، سیاست جنایی تنها در پی سرکوبگری نیست.

در ادامه فرایند تحول مفهوم سیاست جنایی، دلماس مارتی رویکردی بدیع و منحصر به فرد داشت. وی با در نظر گرفتن تحولات کمی و کیفی در انواع جرایم و نحوه مبارزه با آنها و با تجدیدنظر در تعریف فوئر باخ آلمانی اظهار داشت: «سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیأت اجتماع با توسل به آنها، پاسخ به پدیده‌دهی مجرمانه را سازمان می‌بخشد» (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۳: ۲۷).

با توجه به تعاریف فوق می‌توان سیاست جنایی را در دو معنای مضیق و موسع ملاحظه نمود:

**معنای مضیق:** در این تفکر، نظام کیفری برای مبارزه با جرم کفایت می‌کند. در این دیدگاه، واکنش سرکوبگرانه، پیشگیرانه یا اصلاحی از طریق مراجع دولتی به عنوان ارکان اصلی سیاست جنایی ملحوظ شده‌اند (همان، ۲۵).

**معنای موسع:** سیاست جنایی در معنای موسع، تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی‌کند و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را نیز در بر می‌گیرد. بر اساس این تفکر، سیاست جنایی کلیه تدابیری است که در مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ می‌شود (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۵ تا ۲۸؛ قیاسی، ۱۳۸۵: ۴۰-۴۱).

## ۲. موضوع‌شناسی

جهت تبیین محل بحث نیاز است گونه‌های سیاست جنایی و نگرش‌های مطرح در رابطه با آن روشن گردد:

### ۲-۱. گونه‌های سیاست جنایی

با توجه به تعریف موسعی که از سیاست جنایی شد، سیاست جنایی جهت دستیابی به اهداف خود، به ابزار کارآمدی احتیاج دارد که با توجه به ابزار مورد استفاده سیاست جنایی، می‌توان آن را به سیاست جنایی تقنینی، قضایی و مشارکتی تقسیم نمود:

**۲-۱-۱. سیاست جنایی تقنینی:** سیاست جنایی تقنینی مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزه‌کاری است که قانون‌گذار آن‌ها را مورد توجه قرار داده و ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی بیان‌گر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه است (لازژ، ۱۳۸۱: ۹۴-۹۶).

**۲-۱-۲. سیاست جنایی قضایی:** سیاست جنایی قضایی یعنی سیاستی که در تصمیم‌ها و عملکرد دادگاه‌ها جاری است. در حقیقت، پس از آن که قانونگذار سیاست جنایی خود را در قالب قوانین و مقررات پیاده نمود، این قوانین به صورت‌های متفاوتی درک و پذیرفته می‌شود. قانون به تبیین اصول و مبانی کلی نظام کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضات محاکم واگذار نموده است. بر این اساس، سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد (قیاسی، ۱۳۸۵: ۲۹).

**۲-۱-۳. سیاست جنایی مشارکتی:** سیاست جنایی مشارکتی به معنی مشارکت‌دادن مؤثر و فعال جامعه در سیاست جنایی است. به عبارت دیگر، سیاست جنایی مشارکتی یعنی ایجاد و

بکاربردن ابزارها و اهرم‌های تقویتی دیگری به غیر از پلیس یا قوه قضائیه به منظور اعتباربخشیدن به طرح سیاست جنایی است که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌گردد (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

در نهایت، می‌توان گفت سیاست جنایی تقنینی با استفاده از ابزار قانون، سیاست جنایی قضایی با استفاده از تفسیر و درک صحیح قوانین و سیاست جنایی مشارکتی با استفاده از مشارکت دادن جامعه، سعی در رسیدن به اهداف سیاست جنایی مطلوب را دارند.

## ۲-۲. ایدئولوژی‌های مطرح در سیاست جنایی

بعد از تبیین گونه‌های سیاست جنایی، بحث اساسی دیگر در سیاست جنایی، رویکرد کشورها و حاکمان آن به چگونگی برخورد با بزه و جرم و انحرافات اجتماعی است. به عبارت دیگر، رویکرد حکام در برخورد با جرم و انحرافات اجتماعی چگونه است؟ آیا به شدت به آن پاسخ می‌گویند یا با مد نظر قراردادن روش‌های اصلاح و درمان مجرم، با جرم به عنوان پدیده‌ای که از دل اجتماع بیرون آمده است و مجرم را به سوی ارتکاب عمل مجرمانه سوق داده، برخورد می‌کنند؟

در این راستا، رویکرد و واکنش حکام و تصمیم‌گیران سیاست جنایی به جرم و مجرم از دو ایدئولوژی سرکوب‌گرانه (امنیت‌گرا) و ایدئولوژی بازپذیری نشأت می‌گیرد:

۲-۲-۱. ایدئولوژی سرکوب‌گرانه (امنیت‌گرا): یکی از ایدئولوژی‌های مطرح در سیاست جنایی، ایدئولوژی سرکوب‌گرانه است؛ در توضیح آن باید گفت: با ایجاد احساس ناامنی در مردم و حکام جامعه نسبت به افزایش ارتکاب جرائم کوچک و متوسط در سطح جامعه، واکنش به بزه و بزه‌کار از شدت بیشتری برخوردار می‌گردد و در مقابل کوچک‌ترین جرم، با شدت و خشونت واکنش نشان داده می‌شود (غلامی، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

۲-۲-۲. ایدئولوژی بازپذیری: ایدئولوژی بازپذیری در نقطه مقابل ایدئولوژی سرکوب‌گرانه قرار دارد. این ایدئولوژی برخلاف ایدئولوژی سرکوب‌گرانه، با اعتقاد بر این که مجرم عضوی از جامعه است که تحت تأثیر عوامل محیطی و اجتماع، مرتکب فعل یا ترک فعل ناقض قانون گردیده است، با وی برخورد می‌کنند. بر این اساس، بیشتر سعی بر این دارند که در راه اصلاح و درمان مجرم و نحوه پذیرش وی به عنوان فردی از افراد جامعه گام بردارند (همان، ۱۶۷).

۲-۲-۳. ایدئولوژی اسلامی: در کنار این دو نوع ایدئولوژی، می‌توان به نگاه و ایدئولوژی سومی نیز اشاره نمود که همان نگاه دینی بوده و لزوماً، در قالب این دو ایدئولوژی قابل تعریف نمی‌باشد؛ در عین این که گزاره‌هایی از هر دو نوع نگاه را در خود جای داده است و با توجه

به مجموعه ویژگی‌هایش، یک نظام و سیستم خاص را تشکیل می‌دهد که منحصر به فرد می‌باشد (غلامی، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

با تأمل در مبانی قرآنی و روایی، می‌توان ملاحظه نمود که اسلام برای پیشگیری از جرم، برخلاف مکاتب بازپذیر (پوزیتیویستی) و سرکوبگرانه (سزادهی)، تنها به اصلاح مجرم و رفع زمینه‌های فردی و رفع زمینه‌های فردی و اجتماعی گرایش‌های مجرمانه و یا تنها به پیشگیری کیفری و مجازات مجرم بسنده نکرده است؛ بلکه سیاست پیشگیری فراگیر و واقع‌بینانه‌ای را در این زمینه ارائه داده و این همان دیدگاه و نتیجه‌ای است که امروزه، جرم‌شناسان و حقوق‌دانان، پس از سالها بحث و جدل بدان دست یافته و رسماً، اعلام کرده‌اند که برای مبارزه با جرایم باید از همه روش‌های پیشگیری در کنار هم استفاده کرد و همه آنها مکمل یکدیگرند (صفاری، ۱۳۸۹: ۳۱۴-۳۱۳).

بحث بزه‌پوشی، قضازدایی، کیفرزدایی و تمامی سازوکارهای پیشگیری در نظام سیاست کیفری اسلامی پیش‌بینی شده و در واقع، یک سیاست جنایی منحصر به فرد تعریف شده است (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). بر این اساس، می‌توان به برخی خصوصیات سیاست جنایی اسلام اشاره نمود که خاصیت منحصر به فرد بودن آن را نمایان می‌سازد:

**۲-۲-۳-۱. مشارکتی بودن:** برخلاف مدل‌های اقتدارگرا که مشارکت جامعه نیز در آنها صرفاً به صورت سرکوب‌گر مطرح می‌گردد (شاکی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۷۶)، در سیاست جنایی اسلام مشارکت بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه بدون سرکوب‌گری طراحی شده است؛ برای نمونه، می‌توان به حق تعقیب و مطالبه کیفر در جرائم حق‌الناسی، حق عفو بزه‌کار یا صلح با او، حق دفاع مشروع برای بزه‌دیده و برای مجرم، حقوقی همچون توبه در برخی جرائم، اخذ رضایت بزه‌دیده، وجود اصل برائت و قاعده درء، قبول انکار پس از اقرار و برای جامعه نیز گزاره‌هایی همچون مراقبت در قالب امر به معروف و نهی از منکر جهت پیشگیری از وقوع جرم و در مرحله واکنش علیه جرم، برخورد با مجرم و قطع جریان جرم، شهادت علیه مجرم، میانجی‌گری بین بزه‌کار و بزه‌دیده و حتی مجازات مجرمینی همچون مهدورالدم مطلق، اشاره نمود (غلامی، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

**۲-۲-۳-۲. دادرسی خاص:** در مراحل مختلف دادرسی ملاحظه می‌گردد که در مرحله قبل از اقامه دعوی، اصل برائت حاکم است (قافی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۱۰۶). در مرحله اقامه دعوی و اثبات مجرمیت نیز که ادله اثبات دعوی در دعاوی جزایی برخلاف دعاوی مدنی محدود و منحصر به ادله تعیین شده توسط شرع می‌باشد و این ادله نیز به راحتی قابل تحقق نیستند و

موانعی همچون ضرورت احراز عدالت شهود نزد قاضی، وجود کمیت و کیفیت خاص برای اقرار و شهادت نزد قاضی، ضرورت مستندبودن علم قاضی، عدم امکان قیاس، وجود میانجیگری، قاعده درء، حق دفاع متهم و... همگی باعث سختی اثبات جرم در این مرحله می‌گردد (غلامی، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

در مرحله محکومیت و اجرای مجازات نیز اختیارات حاکم در تعیین نوع تعزیر، عفو مجرم، قبول توبه وی، تخفیف و تعلیق مجازات، آزادی مشروط و... شرایط را برای تطبیق عکس‌العمل با وضعیت بزه‌کار مساعد می‌سازد (همو).

۲-۲-۳-۳. **نهاد عفو:** نهاد عفو هم از سوی بزه‌دیده و هم از سوی حاکم قابل اعمال است؛ از سوی بزه‌دیده، در جرائم حق‌الناسی قبل از شکایت با پیگیری بزه‌کار یا اراده خود بزه‌دیده و پس از شکایت نیز به همین صورت قابل اعمال می‌باشد. از سوی حاکم نیز در جرائم تعزیری، دست حاکم در مواردی جهت اعمال عفو باز است. در جرایم حدی نیز گاهی با توجه به قبل از دستگیری، مجازات در مورد بزه‌کار اعمال نمی‌شود. علاوه بر اینها، عفو عمومی حاکم نیز که فعلاً تحت عنوان عفو رهبری در قانون اساسی منعکس شده است، از همین سنخ می‌باشد (غلامی، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

با توجه به ویژگی‌های فوق، مدل سیاست جنایی اسلام را می‌توان یک مدل مشارکتی مردمی- دولتی و در عین حال، درونی- بیرونی دانست که قابل تطبیق تام بر هیچ‌یک از مدل‌های معمول دولتی و جامعه‌ای نمی‌باشد و می‌توان آن را یک مدل منحصر به فرد خواند که ویژگی‌های خاصش آن را در قالب‌های مصطلح سیاست جنایی قابل تطبیق نمی‌نماید (غلامی، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

دلیل اصلی عدم امکان صدق مدل‌های معمول سیاست جنایی بر سیاست جنایی اسلام را باید در تحلیل اصول حاکم بر عناصر و ارکان اصلی تحلیل ساختاری و مدل‌بندی سیاست جنایی معمول دانست. البته، باید توجه داشت که منظور از مشارکتی بودن سیاست جنایی اسلام لزوماً، پاسخ‌دهی دولتی یا اجتماعی به بزه یا انحراف نمی‌باشد؛ زیرا در سیاست جنایی اسلام، پاسخ دولتی لزوماً به معنای پاسخ کیفری و پاسخ اجتماعی ضرورتاً، به معنای پاسخ غیرکیفری نمی‌باشد؛ در عین این که مباحثی همچون امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نظارت متقابل همگانی و پیشینی نیز جزء عناصر اختصاصی این سیستم می‌باشد (همان).

از سوی دیگر، قید درونی در سیاست جنایی اسلام به معنای عناصری همچون وجدان که کانت و روسو به آن اشاره می‌کنند یا حالت ناشی از آموزش‌های اجتماعی و... نمی‌باشد؛ بلکه

منظور از آن، وجود گزاره‌ای تحت عنوان خودِ عالی در وجود انسان است که با حاکمیت آن بر وجود فرد، وی از انجام هرکاری که برخلاف کرامت و تعالی خویش است، خودداری نموده و دایره رعایت آن فراتر از جرم و انحراف به معنای گفته‌شده در ادبیات حقوقی حقوق‌دانان است (همو).

### ۳. حکم‌شناسی

با توجه به توضیحات فوق و تبیین گونه‌ها و روی‌کردهای سیاست جنایی، خصوصاً سیاست جنایی اسلام در برخورد با جرم و مجرم، اینک این سؤال مطرح می‌گردد که اسلام در برخورد با جرائم شایع در جامعه، چگونه رفتار می‌کند؟

در پاسخ به سؤال فوق می‌توان گفت همانگونه که این نتیجه بدست آمد که سیاست جنایی اسلام، مدلی مشارکتی دولتی - مردمی است، در برخورد با جرائم نیز که در جامعه شایع گردیده است نیز این روش مشهود است. البته، قابل ذکر است برخی از راهبردهای اسلام در برخورد با اینگونه جرائم همان راهبردهای کلی سیاست جنایی اسلام در برخورد با بزهکاری است و برخی از راهبردها، راهبردهای خاصی است که فقط در برخورد با جرائم شایع به کار گرفته می‌شود که در ادامه، راهبردهای شرع اسلام در دو بخش سیاست‌های مردمی و دولتی بررسی می‌گردد:

۳-۱. **سالم‌سازی فضای جامعه با مشارکت مردمی:** در مرحله اول، شرع اسلام با مشارکت دادن مردم و ارائه راهکارهای اصلاحی، تلاش بر این دارد تا فضای جامعه را به سمت سالم‌سازی سوق دهد؛ با بررسی منابع اسلامی می‌توان راهکارهای اصلاحی ذیل را ملاحظه نمود:

۳-۱-۱. **تلاش برای قانون‌مداری از طریق رفتارهای اصلاحی:** یکی از راهکارهایی که در ازبین رفتن فضای جرم و جنایت در جامعه تأثیرگذار است، آماده‌نمودن فضای جامعه برای بقا و ریشه‌دواندن قوانین اسلامی است؛ به گونه‌ای که قوانین جزء زندگی روزانه مردم گردد.

البته، اینگونه نیست که قانون اسلامی همانند درختی باشد که خودبه‌خود و بدون زمین صالح و بدون آب و آبیاری و نگهداری رشد نماید، بلکه برای تحقق این مهم باید به نیازهای مردم توجه جدی شود؛ زیرا فقر، جهل، مجردماندن و بیکاری مستعد ارتکاب بی‌اخلاقی‌ها و اعمال تخریبی است (حسینی شیرازی، ۱۴۱۹: ۷۸).

بر این اساس، لازمه تحقق قانون‌مداری، بی‌نیازنمودن فقراء ولو از بیت‌المال است؛ در غیر این صورت، باید منتظر «کاد الفقر أن یكون کفراً»، شد. همانگونه که جهل، رذایل را

برمی‌انگیزاند و مجردماندن سبب انحرافات جنسی و بیکاری موجب ارتکاب اعمال تخریبی در اوقات فراغت فرد بیکار می‌گردد، لازم است فقر، مرتفع، ازدواج، ترویج و بیکاری رفع گردد تا قانون‌گرایی در جامعه اسلامی محقق گردد (همو).

۳-۱-۲. **تبدیل وسایل جرم و فحشا به وسایل مباح:** ابزار دیگری که سیاست جنایی اسلام در بخش مردمی برای سالم‌سازی فضای جامعه و در برخورد با جرائم فراگیر به کار می‌بندد، تلاش برای تبدیل وسایل عیش حرام و ارتزاق باطل به وسایل عیش حلال و ارتزاق سالم است.

این نوع رفتار را می‌توان به خوبی در سیره معصومین (ع) ملاحظه نمود؛ به عنوان نمونه، روایت شده است زمانی که امام علی (ع) به کوفه آمد، زنان در معرض اتهام را تزویج و بنای حیات زوجیت و خانواده صالح را تسهیل نمود. همچنین، کارخانه‌ها و مغازه‌های خمرفروشی را به کارخانه‌های تولید مواد غذایی حلال و مغازه‌های تجاری جهت خرید و فروش نیازهای روزمره تبدیل نمود؛ و زمانی که نیاز به بذل مال بود، انفاق از بیت‌المال را لازم می‌دانست (همو، ۷۷).

بر این اساس، امام (ع) با ایجاد فضای سالم اقتصادی و اجتماعی، اینگونه در ازبین‌بردن ریشه‌های جرائم فراگیر تلاش نمودند.

آنچه نیز در سالم‌سازی فضای جامعه مؤثر است، دستگاه‌ها و رسانه‌های جمعی است؛ به گونه‌ای که باید برنامه‌های رسانه‌ها، به خصوص رادیو و تلویزیون، از غنا و فیلم‌های مبتذل، به برنامه‌های حلال، از قبیل داستان‌ها و حکمت‌ها، مدح و رثاء‌های غیرغناپی، فیلم‌ها و نمایشنامه‌های فرهنگی تبدیل شوند (همو). البته، برنامه‌ها باید به گونه‌ای باشد که جذابیت کافی را داشته و از گرایش به رسانه‌های مبتذل که به راحتی در دسترس عموم جامعه است، خودداری کند و این مهم زمانی محقق می‌گردد که تلاش وافر و متخصصانه‌ای در زمینه رسانه انجام گیرد.

اینگونه رفتارها نه تنها در رسانه‌ها، بلکه باید در تمام شئون زندگی مردم در سینماها، پارک‌ها و... جریان یابد تا بتوان برای رسیدن به هدف مورد نظر امیدوار بود.

هرچند اجرای تمام رفتارهای اصلاحی فوق، ساده نیست، لکن اینگونه نیست که امکان‌پذیر نباشد، بلکه باید اجرای برنامه‌ها به صورت مشورتی و از طریق جذب کارشناسان و دغدغه‌مندان در این حوزه حل و فصل گردد (همو).

۳-۱-۳. تأسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان نهاد نظارتی همگانی: امر به معروف و نهی از منکر از جمله ابزاری است که اسلام در برخورد با جرائم فراگیر به کار می گیرد.

همانگونه که ذکر گردید، شرع اسلام با اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی - که امروزه، در سیاست جنایی، به عنوان یکی از طرق مؤثر در اصلاح ناهنجاری ها در جامعه به شمار می رود - سعی بر آن دارد که از تحقق جرم و بزه در جامعه پیشگیری نماید؛ و یکی از مهمترین ابزارها در سیاست جنایی مشارکتی را می توان نهاد امر به معروف و نهی از منکر دانست که حتی می توان سیاست جنایی مشارکتی را بر این نهاد استوار نمود (الهام، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

در شرع اسلام، امر به معروف و نهی از منکر از جمله واجباتی است که از آن به والاترین و شریفترین واجبات تعبیر شده است (امام خمینی، بی تا، ج ۱: ۴۶۲)؛ به گونه ای که خداوند در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران می فرماید: «و باید از شما امتی باشند که دعوت به خیر نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و اینان هستند که رستگارانند»<sup>۱</sup>.

و پیامبر (ص) در اهمیت آن فرمودند: «مادامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر نموده و بر نیکی کمک می کنند، در خیر می باشند. پس، وقتی چنین نکردند، برکتها از آنان سلب و بعضی از آنها بر بعضی دیگر مسلط می شوند و برای آنها یآوری نیست، نه در زمین و نه در آسمان»<sup>۲</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۱۲۳).

با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در شرع اسلام باید گفت امر به معروف و نهی از منکر به مثابه نهادی اجتماعی، در صورت نظام مندی و ضابطه مداری می تواند ابزار و تدبیری مدبرانه در قبال نقض هر گونه هنجار اسلامی، اجتماعی و کیفری باشد که سرانجام، آن نه تنها عدم وقوع جرم و گناه را در فرایند اجتماعی به همراه آورد که در سالم سازی جامعه نیز نقش مضاعف ایفا کند (ساعد، ۱۳۸۶: ۸۲).

قانون اساسی ایران نیز در اصل هشتم به این مهم توجه و مقرر می دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت».

۱- «و لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

۲- «لا تزال أمتي بخير ما أمروا بالمعروف و نهوا عن المنكر و تعاونوا على البر، فإذا لم يفعلوا ذلك نزعنا منهم البركات، و سلط بعضهم على بعض، و لم يكن لهم ناصر في الأرض و لا في السماء».

ملاحظه می‌گردد قانون‌گذار قانون اساسی با الهام از آموزه‌های دینی به موضوع امر به معروف و نهی از منکر نگاهی جامع و شامل افکنده است؛ زیرا نکات زیر از اصل مذکور قابل برداشت است:

۱- امر به معروف و نهی از منکر عمومی: با ملاحظه آیات قرآن ملاحظه می‌گردد همه مؤمنان باید امر و ناهی باشند؛ به عنوان نمونه، آیه ۱۱۰ آل عمران مقرر می‌دارد: «شما مسلمانان بهترین امتی بودید که برای اصلاح دنیا و آخرت مردم پدیدار شدید؛ زیرا به کار نیک فرمان می‌دادید و از کار ناپسند بازمی‌داشتید و دعوت خدا را باور داشتید»<sup>۱</sup>.  
اطلاق این آیه، همه حوزه‌های امر به معروف و نهی از منکر را شامل می‌شود که از جمله آن، امر و نهی مردم نسبت به یکدیگر است.

۲- تکلیفی بودن نظارت همگانی: از نظر قانون اساسی، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف است نه حق؛ بنابراین، نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد یا در اجرای آن تساهل و تسامح نشان داد. نظارت مردمی در مردم‌سالاری دینی بر اساس موازین شرعی به عنوان «تکلیف» مطرح است. بر این اساس، قانون اساسی با تکلیف‌دانستن نظارت مردمی، گام بلندی را در ایجاد حساسیت میان مردم نسبت به این امر برداشته است؛ زیرا انجام‌ندادن این وظیفه می‌تواند برای شخص مسئولیت‌آور باشد.

به این ترتیب، همگانی بودن امر به معروف و نهی از منکر شامل همه ظرفیت‌های جامعه برای سالم‌سازی آن، از قبیل صنف‌ها، گروه‌ها، اقوام و حتی اقلیت‌های دینی نیز می‌شود. با توجه به نگاه شرع و قانون در مسئله امر به معروف و نهی از منکر، ملاحظه می‌گردد سیاست جنایی اسلام درصدد سالم‌سازی فضای جامعه و از بین بردن جرائم فراگیر از طریق کنترل و نظارت همگانی است.

۳-۱-۴. اهمیت دادن به کرامت ذاتی و تقویت خود عالی در وجود انسان: یکی دیگر از راهکارهایی که شرع اسلام در برخورد با جرائم، علی‌الخصوص شایع در جامعه دارد، اهمیت دادن به کرامت ذاتی و تقویت خود عالی در وجود انسان‌ها است.  
فطرت انسان دارای گرایش خوددوستی است و بر اساس این کشش فطری، برای خویش احترام و ارزش ویژه‌ای قائل است و در جهت حفظ حرمت خود کوشش می‌کند و هنگام برخورد با دیگران، با این معیار خود را ارزیابی می‌کند که ببیند افراد چه جایگاه و حرمتی برای او در نظر دارند.

۱- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ».

از این رو، یکی از روش‌های مهم در تربیت افراد مجرم و بزه‌کار، توجه‌دادن آنان به شرافت و کرامت ذاتی خویش است. کسی که احساس کند نزد دیگران دارای شخصیت است، به راحتی مرتکب خلافی نمی‌شود؛ بلکه سعی می‌کند برای حفظ شخصیت و مقام خویش نزد دیگران، از انجام بسیاری از کارهای زشت اجتناب کند.

این نوع نگرش در کلام و سیره معصومین(ع) قابل ملاحظه است: برای مثال در دعای نیمه شعبان در کتاب شریف مفاتیح الجنان آمده است: «بندگان را با کرامت و تکریم، ادب می‌کنی و تویی کریم‌ترین کریمان»<sup>۱</sup>

بر این اساس، مرتبی یا مبلغ دینی و تمامی افرادی که به گونه‌ای با انسان‌های مجرم و بزه‌کار برخورد دارند، باید به شخصیت آنان احترام بگذارند تا آنان بدین وسیله، به شخصیت واقعی و ذاتی خویش پی ببرند و از عقیده باطل و رفتار ناپسند خود دست بکشند و اصلاح شوند.

امیرالمؤمنین، علی(علیه السلام)، در کلامی می‌فرماید: «اگر کسی از کرامت نفس برخوردار باشد، هرگز خود را به گناه، پست و بی‌ارزش نمی‌کند»<sup>۲</sup> (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۳۴) و نیز می‌فرماید: «کسی که از احترام و کرامت نفس برخوردار باشد، شهوت نزد او بی‌ارزش است»<sup>۳</sup> (همو، ۶۳۷)

در مقابل، کسی که شرافت شگرف خویش را باور نداشته باشد و احساس زبونی و فرومایگی کند، از ارتکاب هرگونه رفتار ناپسند اخلاقی باکی ندارد؛ چنان‌که امام هادی(علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «از شر کسی که خودش را بی‌مقدار می‌داند، در امان نباش»<sup>۴</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۴۸۳)

**۳-۱-۵. ایجاد مودت عمومی بین حکومت و مردم:** یکی دیگر از راهکارهایی که شرع اسلام جهت سالم‌سازی فضای جامعه و از بین بردن جرم و جنایت در جامعه به کار می‌گیرد، ایجاد مودت عمومی بین حکومت و مردم است؛ متأسفانه، تا زمانی که حکومت از جانب مردم پذیرفته نشود و به آن اعتماد نشود، قانون‌گریزی و ارتکاب جرم در جامعه افزایش می‌یابد. محبت‌ورزیدن نیروآفرین است و انسان‌ها را به درستی و درست رفتاری می‌کشاند. مهرورزی به هر کس موجب نفوذ در قلب او می‌شود. در صورتی که حکومت بخواهد نقش بیشتری در

۱- «أَدَّبْتَ عِبَادَكَ بِالَّتَّكْرِيمِ وَ أَنْتَ أَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ».

۲- «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ».

۳- «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ».

۴- «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ».

اصلاح و تربیت مجرمان و بزهکاران داشته باشد، نباید از مهرورزی نسبت به آنان غفلت بورزد.

محبت و ملاحظت، سنت و شیوه همه پیامبران الهی بوده و رمز موفقیت آنان در تربیت و هدایت انسان‌ها نیز همین نکته است. قرآن کریم در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران می‌فرماید: «پس، به برکت رحمت الهی با آنان نرم‌خو و پرمهر شدی؛ و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برای ایشان آمرزش بخواه»<sup>۱</sup>.

حضرت علی (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «دل‌های انسان‌ها بیگانه و نامأنوس‌اند. هرکس از راه محبت وارد شود، با او الفت می‌گیرند»<sup>۲</sup> (نهج البلاغه، حکمت ۵۰).

پیامبر مکرم (ص) نیز می‌فرماید: «انسان با کسی خواهد بود که او را دوست دارد»<sup>۳</sup> (شیخ طوسی، ج ۱: ۶۲۱).

اصولاً، استفاده از روش مهرورزی در امر اصلاح و تربیت افراد مجرم از جمله روش‌هایی است که در سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم (علیهم السلام) فراوان مورد استفاده قرار گرفته است؛ زیرا آنان مظهر صفات الهی بوده‌اند. اساس هدایت و تربیت آنان انسان‌دوستی است. به همین دلیل، آنان در برخورد با دیگران اصل را بر محبت قرار داده و از خشونت و تندی تنها در مواقع استثنایی بهره می‌گرفته‌اند.

بر این اساس، یکی از روش‌های مؤثر و سودمند در اصلاح و تربیت افراد زندانی و مجرم، توجه‌کردن و توجه‌دادن به نقاط قوت و مثبت آنان و تشویق آنان به کارهای خوب است؛ زیرا اگر انسان بدون توجه به نقاط مثبت فرد خطاکار، وی را مورد سرزنش قرار دهد، آن فرد را به واکنش و دفاع از خویشتن و می‌دارد و موجب برافروخته‌شدن آتش لجاجت مخاطب می‌گردد و نه تنها در او اثر مثبتی نمی‌گذارد، بلکه چه بسا او را در پیمودن راه خلافی که در پیش گرفته، جسورتر می‌سازد.

حضرت علی (علیه السلام) در وصیت خود به فرزند بزرگوارش امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: «زیاده‌روی در سرزنش، آتش لجاجت را برمی‌افروزد»<sup>۴</sup> (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۲).

۱- «فَمَا رَحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّيْتَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ»

۲- «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَخَشِيئَةٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِا»

۳- «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ»

۴- «وَ الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَنْشِبُ نِيرَانِ اللَّجَاجَةِ.»

و نیز می‌فرماید: «درصدد نباش که برای هر لغزشی عتاب کنی و برای هر گناهی کیفر دهی»<sup>۱</sup> (نوری، ۱۴۰۸، ج ۹: ۱۱۳)

مرّبی باید با تکیه بر نقاط مثبت رفتار مترّبی، از لغزش‌ها و رفتارهای ناشایست او چشم‌پوشی کند و راه بازگشت را بر وی نبندد. چنان که حضرت علی (علیه السلام) به مالک اشتر می‌فرماید: «یادآوری زیاد نقاط مثبت و رفتارها و کارهای ارزشمند افراد موجب تحرّک بیشتر افراد شجاع و برانگیختن افراد ترسو و مسامحه‌کار به سوی رفتار مثبت خواهد شد»<sup>۲</sup> (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

همانگونه که ملاحظه گردید، رفتارهای اصلاحی فوق را می‌توان بُعد مردمی سیاست جنایی اسلام دانست، به گونه‌ای که با نقش دادن به مردم چه در بُعد نظارت همگانی و چه در عزت دادن و ایجاد مودت بین آنها، تلاش می‌گردد جامعه متوجه قبح جرم گردیده و از ارتکاب آن خودداری نماید؛ و در نهایت، فضای جامعه، فضایی عاری از جرم و بزه گردد.

### ۲-۳. برخورد جدی با جرائم:

علاوه بر رفتارهای اصلاحی فوق، شرع اسلام در بُعد دولتی سیاست جنایی خود، سعی دارد با وضع و اجرای مجازات، بدون رأفت و با جدیت برخورد - خصوصاً، در برخورد با جرائم که آشکار گردیده و نظم عمومی و امنیت اجتماع را مختل نموده است - نماید تا قبح جرائم همچنان در نگاه جامعه باقی مانده و از گسترش آن‌ها خودداری شود. البته، در اینگونه برخورد، می‌توان دو مرحله بازدارندگی و اعمال مجازات را ملاحظه نمود:

۱-۲-۳. **سیاست بازدارندگی:** سیاست جنایی اسلام، در این مرحله - که بیشتر در مرحله وضع قوانین مطرح می‌گردد، بیشتر به جنبه بازدارندگی وضع مجازات‌ها توجه دارد تا قبح جرم و گناه در جامعه حفظ و جامعه را از گرایش به جرم بازدارد.

برای مثال، در پیش‌بینی کیفر اعدام برای برخی از مصادیق جرم جنسی مانند زنا به عنف، زنا با محارم و لواط، به جنبه ارعاب‌انگیزی کیفر کاملاً توجه شده است. حتی صد ضربه تازیانه نیز که برای زنا غیر محصن، مساحقه و لواط (به صورت تفخیز) پیش‌بینی شده، مجازات سبکی نیست و از وصف بازدارندگی بالایی برخوردار است. تاکید بر اجرای مجازات تازیانه در حضور گروهی از مؤمنان به روشنی نشان می‌دهد که از جمله اهداف وضع این کیفر، بازدارندگی عمومی است (نوبهار، ۱۳۷۹: ۱۵۶). بر این اساس، خشن بودن آنها به هیچ وجه

۱- «وَلَا تَطْلُبَنَّ لِكُلِّ زَلَّةٍ عِتَاباً وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عِقَاباً».

۲- «فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ أَعْمَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَ تُحَرِّصُ النَّاكِلَ».

موضوعیت ندارد؛ بلکه آنچه موضوعیت دارد، بازدارندگی از جرم و اصلاح مجرمین بالقوه و بالفعل است.

جهت تبیین بیشتر می‌توان گفت: مشاهده می‌شود در برخی جوامع، نوشیدن شراب یا روابط جنسی خارج از محدوده شرع و قانون، امری بسیار شایع و عادی در جامعه گردیده است؛ در حالی که هر دو جرم مذکور از جمله جرایمی است که عقل جامعه را از مسیر صحیح خارج و بنیان‌های خانواده را به نابودی می‌کشاند؛ به گونه‌ای که افزایش آمار طلاق و ازهم‌پاشیدن خانواده‌ها، فرزندهای نامشروع، کودکان بی سرپرست و انواع بیماری‌های جسمی و روحی را در پی دارد. بر این اساس، اسلام در برخورد با آنها، سیاست سختگیرانه‌ای را دنبال می‌نماید؛ به گونه‌ای که با وضع مجازات‌های سنگین در قبال آنها، از فراگیر شدن آنها جلوگیری می‌کند.

همانگونه که ذکر گردید، وضع مجازات‌ها در مرحله وضع است؛ زیرا اسلام راه‌های اثبات آن را چنان محدود کرده است که در عمل، دامن افراد بسیار کمی را می‌گیرد؛ در عین حال، وحشت از آن به عنوان یک عامل بازدارنده روی افراد منحرف اثر خود را خواهد گذاشت.

در توضیح بیشتر باید گفت اعمال این مجازات‌ها منوط به شرایط و قیود فراوان است، به نحوی که گاه به ندرت این شرایط فراهم می‌شود؛ به عنوان مثال، شاید مصداقی از پرت کردن مجرم از کوه یا آتش‌زدن او در تاریخ اسلام نتوان ملاحظه کرد، لکن همواره تهدید به این مجازات در روایات و تاریخ حکومت اسلام وجود داشته است؛ یا در مورد سنگسار که مجازات زنا‌ی زن و مرد همسر دار است، می‌توان اینگونه توضیح داد که حکم سنگسار مخصوص کسانی است که در حالی زنا می‌کنند که: اولاً، متأهل و دارای همسر باشند. ثانیاً، به همسر خود دسترسی داشته باشند و بتوانند با او آمیزش جنسی داشته باشند؛ مثلاً، در سفر نباشند و یا دارای عذر منافی با مسائل زناشویی نباشند؛ مانند عادت ماهیانه و یا ناشزه‌بودن همسر یا عین‌بودن مرد. ثالثاً، طبق شرایط خاص و بسیار سخت نزد حاکم شرع به اثبات برسد. بعد از حصول این شرایط، اگر مرد یا زن متأهل برخوردار از همسر حلال و بی‌مانع، به گناه زنا آلوده شوند و چهار شاهد عادل عیناً این عمل زنا را با خصوصیاتش ملاحظه و مشاهده کرده باشند و در محضر حاکم شرع گواهی دادند، زنا‌ی محصنه اثبات می‌گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹: ۷۷-۷۲).

با تأمل در شرایط تحقق و اثبات زنا‌ی محصنه، ملاحظه می‌گردد که تحقق چنین شرائطی بسیار نادر است؛ زیرا اولاً، به طور معمول بسیار کم اتفاق می‌افتد که چهار شاهد عادل به طور

همزمان، عملی را که معمولاً در خفا واقع می‌شود، ببینند؛ مخصوصاً اینکه شاهد باید عادل باشد و شهادت او در ضمن تجسس که خود یک گناه است و سبب خروج از عدالت است، محقق نمی‌شود.

هدف تریبی و بازدارندگی در سیاست جنایی اسلام را می‌توان در آیه ۳۲ سوره مائده کاملاً ملاحظه نمود؛ خداوند در این آیه می‌فرماید: «و من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جميعاً».

طبق ظاهر این آیه، قتل یک انسان با حیات جامعه چنان گره خورده است که گویا همه مجنی علیه قرار گرفته‌اند؛ اگر قاتل قصاص نشود، جان افراد جامعه در معرض خطر خواهد بود (مطهری، ۱۳۷۰، ج ۲: ۷۷). بر این اساس، هرگاه در جامعه مجازات قصاص باشد، مردمان از ترس مجازات، کمتر به خون دیگران دست می‌آیند و وقتی نفوس مردم حرمت یافت، رفاه و آسایش دیگران بهتر تأمین می‌شود.

باید گفت هدف سیاست کیفری اسلام در وضع مجازات‌ها در بخش حدود (مانند سنگسار و اعدام و...) بیش‌تر تهدید به مجازات است تا اجرای آن؛ از این رو، برای جرائمی همانند سرقت، زنا، لواط و جرایم منافی عفت، شرایطی را بیان می‌کند که مشخص می‌کند هدف شارع بیش‌تر جلوگیری از اشاعه فحشا و علنی شدن بزهکاری در جامعه است.

بر این اساس، می‌توان گفت سیاست بازدارندگی وضع مجازات‌ها، تأثیر فراوانی در توقف و رو به کاهش گذاشتن جرائم شایع و فراگیر و همچنین، بازدارندگی از توسعه بیشتر آنها در جامعه دارد.

**۳-۲-۳. اعمال مجازات بدون رأفت:** در آخرین مرحله شرع اسلام برای از بین بردن فضای جرم و معصیت فراگیر در جامعه، تنها به اصلاح مجرم و رفع زمینه‌های فردی و اجتماعی گرایش‌های مجرمانه، بسنده نکرده است. البته، همانگونه که قبلاً ملاحظه گردید، تنها به مجازات مجرم نیز بسنده نکرده است. سیاست جنایی اسلام در مورد جرائمی که با تمام محدودیت‌ها در تحقق شرایط و اثبات آنها، محقق و اثبات گردیده‌اند و در نتیجه، نظم عمومی و امنیت جامعه و شهروندان را تهدید می‌کنند، رویکرد برخورد بدون رأفت است.

البته، همانگونه که گفته شد، نگاه سیاست جنایی اسلام در درجه اول، نگاه پیشگیرانه عام و خاص نسبت به بزه‌کاری بوده و حتی در جرایمی که جنبه عمومی آن غلبه دارد (حق‌الله)، اصراری بر مجازات بزه‌کار نداشته و توصیه‌هایی همچون توبه بین خود و خدا را می‌نماید و یا نهاد عفو را بنیان نهاده است تا به بازپذیری مجرم و بازگشت او به جامعه کمک نماید. با این

حال، در صورتی که جرم یک فرد با ادله اثبات دعوی به صورت قانونی و مشروع به اثبات رسید، دین در اعمال مجازات فرد مجرم اهمال نمی‌نماید و قرآن کریم در چنین موردی تأکید می‌نماید که مجریان اعمال مجازات در مقام انجام وظیفه دچار رأفت و ترحم بی‌مورد نشوند و مطابق آنچه دین امر نموده، بدون افراط یا تفریط عمل نمایند. همانگونه که در عصر حکومت امام علی علیه السلام در مجازات فردی که با تمام ایجاد محدودیت‌ها برای او، چهار بار اقرار به زنا نمود، سر مبارک را به طرف آسمان بلند کرد و فرمود: «خدایا، برای تو چهار بار شهادت و اقرار او ثابت شد، بار خدایا تو خود به پیامبرت خبر دادی که: ای محمد! هرکس حدی از حدود مرا تعطیل کند، با من جنگ و معانده کرده است و با این ترک، با من طلب ضدیت نموده است؛ ای خدا! من حدود تو را تعطیل نمی‌کنم و با تو طلب ضدیت نخواهم کرد، احکام تو را ضایع نمی‌کنم، بلکه من مطیع تو هستم و سنت پیامبرت را پیروی می‌کنم». سپس، حضرت دستور داد تا حدّ شرعی اجرا شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۹).

این تبیین حاکی از آن است که چگونه دین در جایی بازپذیر و در جایی سرکوب‌گر عمل می‌نماید و سیاست مشارکتی مردمی دولتی را به اجرا می‌گذارد.

با توجه به این نگرش باید گفت همانگونه که برای درمان یک بیمار در مراحل مختلف دارو و درمان‌های مختلف و از کم به زیاد تجویز می‌شود، راه درمان دردهای عمومی جامعه که در سطح جامع شایع گردیده است نیز متفاوت است. گاه درد آن قدر شدید است که درمان‌های شدید و همراه با مشقت تجویز می‌شود؛ درمان‌های خشن نیز زمانی برای جامعه‌ای تجویز می‌شود که بزهکاری در آن به وضع حادّ و بغرنجی رسیده، پرده‌های عفت دریده شده و ارتکاب جرائم در ملاء عام قبحی ندارد.

به عنوان مثال، در جرائم مربوط به روابط جنسی نامشروع، زمانی که فرد خاطی و مجرم، نه تنها قصد لذت‌جویی را داشته باشد، بلکه قصد اشاعه فحشا و علنی کردن کار گناه خویش یا هتک حرمت و حیثیت دختر و... را داشته باشد، در این صورت سنگین‌ترین مجازات، بهترین مجازات بازدارنده برای این افراد است.

## بحث و نتیجه‌گیری

- با بررسی مبانی قرآنی، روایی، عقلی و سیره معصومین (ع)، سیاست جنایی اسلام را می‌توان سیاست مشارکتی دولتی و مردمی دانست؛ به گونه‌ای که ابتدا دولت و مردم با مشارکت هم در پیشگیری فراگیر و رفع زمینه‌های جرم قدم بر می‌دارند. بعد از آن، نهاد

حاکمیت در برخورد با جرائمی که منجر به اختلال در جامعه می‌گردند، با جدیت برخورد و خطایان را با ابزارهای در اختیار خود، مجازات می‌نماید.

- شرح اسلام در برخورد با جرائمی که در جامعه شایع گردیده است، از راهبردهای کلی سیاست جنایی خود در برخورد با بزهکاری و همچنین، از راهبردهای خاص در برخورد با جرائم شایع بهره می‌برد. بر این اساس، در برخورد با اینگونه جرائم ابتدا، سعی در تغییر فضای جامعه دارد؛ به گونه‌ای که با تبدیل وسایل جرم و فحشا به وسایل مباح، تأسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نهاد نظارتی همگانی، اهمیت‌دادن به کرامت ذاتی و تقویت خود عالی در وجود انسان، ایجاد مودت عمومی بین حکومت و مردم، فضای جامعه سالم‌سازی گردد تا جامعه متوجه قبح جرم گردیده و از ارتکاب آن خودداری نماید. در مرحله بعد، در برخورد با جرائمی که آشکار گردیده و نظم عمومی و امنیت اجتماع را مختل نموده است، در اعمال مجازات، بدون رأفت و با جدیت برخورد شده تا قبح آن همچنان در نگاه جامعه باقی مانده و از تسری آن به سایر جرائم خودداری شود.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- آنسل، مارک (۱۳۷۵). دفاع اجتماعی، مترجم: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی تا). النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن شعبه الحرانی، أبو محمد الحسن بن علی بن الحسین (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم.
- ابن منظور، ابو الفضل؛ جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۱). حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.
- الهام، غلامحسین (۱۳۹۲). «جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۳، شماره ۲، صفحات ۱۶۸-۱۵۵.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الإسلامی، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۷). ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ نهم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳). سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۱۹). الفقه، القانون، بیروت، مرکز الرسول الأعظم (ص) للتحقیق و النشر، چاپ دوم.
- خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا). تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و سیدجعفد شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، لبنان، دار العلم.
- ساعد، محمد جعفر (۱۳۸۶). «تأملی بر کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۷.
- شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۸۵). سیاست جنایی اسلامی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، قم، کتابفروشی داوری.
- شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- ..... (۱۴۱۴)، الأمالی، بی جا، دار الثقافة.

- صفاری، علی (۱۳۸۰). « مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴-۳۳.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه/حسابی، ساره (۱۳۹۰). سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵، صفحات ۱۱۳ تا ۱۳۳.
- عمید، حسن (۱۳۷۵).، فرهنگ فارس عمید، تهران، امیرکبیر، چاپ نهم.
- غلامی، علی/رحیمی، محمد مهدی (۱۳۸۸). «تأثیر سیاست جنایی سرکوب‌گرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام»، دوره ۱۰، شماره ۳۰، صفحه ۱۵۹-۱۸۹.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب‌العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
- فیض، علیرضا (۱۳۷۶). مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۵). مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لازرژ، کریستین (۱۳۸۱). درآمدی به سیاست جنایی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان.
- ..... (۱۳۷۵). سیاست جنایی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، یلدا.
- لیتی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ (للیتی)، قم، دار الحدیث.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر.
- قافی، حسین/شریعتی، سعید (۱۳۹۲). اصول فقه کاربردی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت.
- نوبهار رحیم (۷۹). «اهداف مجازات در جرایم جنسی مستوجب حد در در حقوق کیفری اسلام»، نامه مفید، سال ششم، شماره ۲۳.
- نوری، محدث، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). اسلام و مقتضیات زمان، قم، انتشارات صدرا.